



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ایران و انقلاب اسلامی ایران فراسوی مرزها

داستان انقلاب

قسمت ۷

مردم: «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن...»
شاه: «من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.»
امام: «من دولت تعیین می‌کنم... من تو دهن این دولت می‌زنم...»
من دولت تعیین می‌کنم... من به پشتوانه این ملت، دولت تعیین می‌کنم...»

دکتر مصدق:

«فرزندان عزیز من!... امروز يك بار دیگر دنیا چشم به درایت و کاردانی و موقع‌شناسی و انضباط شما دوخته است. فرد فرد شما نباید مسئولیتی را که در پیشگاه خدای بزرگ و وجدان پاك خود و دینی را که به پرچم و تاریخ پرافتخار خویش دارید، لحظه‌ای از یاد ببرید...»

بی‌بی‌سی:

دکتر محمد مصدق با آنکه در مجلس پانزدهم نماینده نبود، همچنان کانون توجه ملیون در داخل و خارج مجلس بود. اقدامات مصدق و هوادارانش در چهارچوب قانون اساسی و مجلس بر استیفای حقوق ایران از شرکت نفت انگلیس متمرکز شده بود، در حالی که بسیاری و از جمله مجاهدین اسلام آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام به قوه قهریه هم متوسل می‌شدند. در پانزدهم بهمن ماه هزار و سیصد و بیست و هفت در دانشگاه تهران به محمد رضاشاه تیراندازی شد. شاه جان سالم به در برد و ضارب کشته شد. اما به گفته دکتر سیف پور فاطمی «شاه از این واقعه بهره‌ها برد.»

سیف پور فاطمی:

«بعد از اینکه ناصر فخرایی را کشتند و شاه آسیبی بهش وارد نیامد، حکومت نظامی اعلام شد و دو دسته را که مخالف شاه بودند، محکم کوبیدند. یکی حزب توده بود که حزب توده را غیرقانونی اعلام کردند و گفتند که باعث

تیراندازی، این شخص، [که] با حزب توده سر و کار داشته است؛ دیگری دسته سید ابوالقاسم کاشانی و روحانیون و افرادی مانند حائری زاده و مخالفینش در مجلس و بعد از اینکه این عمل واقع شد شاه توانست که مجلس مؤسسان را تشکیل بدهد و اون اختیاراتی که غیرممکن بود بدون يك چنین غایله‌ای بتواند اون اختیارات را بگیرد از مجلس مؤسسان گرفت که یکی از اونها تشکیل مجلس سنا بود و دیگری اختیار به شاه برای انحلال مجلس...»

بی بی سی:

با پایان کار دوره پانزده مجلس، آنچنان که دکتر کریم سنجابی می گوید، ملیون به تکاپو افتادند تا انتخابات دوره شانزدهم آزاد برگزار شود.

سنجابی:

«مصدق هم به فکر این افتاد که فعالیتش را شروع کنه، و گفتگو به این شد که چه اقدامی باید کرد؟! ایشان گفتند: «باید تحصن اختیار کنیم در مقابل این انتخاباتی که می گیرند؛ باید این انتخابات آزاد بشه.» اول گفتگو این بود که در يك مسجد تحصن بگیریم بعد آقای مصدق گفتند که: «تحصن در دربار باشه این دفعه هم مصدق اعلام کرد به مردم و روزی که تحصن باید می شد ما روز تحصن رفتیم جمعیت کثیری وارد خیابان کاخ شده بودند و ما در خدمت دکتر مصدق رو به کاخ می رفتیم که عبدالحسین هژیر به استقبال مصدق آمد. به مصدق گفت که: «آقای دکتر مصدق انتخابات آزاد است...» [دکتر مصدق] گفت:

«عبدالحسین هژیر تو شرف داری؟!... این وکالت آزاده؟!...» این حرفی بود که مصدق زد و دم در که رسیدیم يك جوانکی صدا زد:

«زنده باد جمهوری!...، زنده باد مصدق رئیس جمهوری...»

فهمیدم که این جزء خرابکارهاست. مصدق فریاد زد:

«بگیریدش... این آدمو بگیرید!...» و پریدند و گرفتند و تحویل

نظمیه دادند. بعد از اونجا گفتند که:

«این جمع کثیر که نمی تونه وارد تحصن بشه!... بیست نفر را انتخاب

کنید...»

و آقای دکتر مصدق بیست نفر انتخاب شد که از اون جمله یکی بنده بودم که اسامی اش الان یکی یکی یادم نیست ولی شاید همه می دانید. اونجا رفتیم و دو سه روز در دربار متحصن بودیم. متکلم وحده (در گفتگو) با مصدق فقط

عبدالحسین هژیر بود. مصدق نتوانست با شاه ملاقاتی بکند و بالاخره عبدالحسین هژیر مصدق را مایوس و دست خالی بیرون کرد... ولی این تحصن ما نتیجه بخش شد. یعنی به وسیله مطبوعات و پخش شدن خبر این تحصن، سبب شد که مردم علاقه مند به انتخابات بشوند و در عین حال مصدق و ملیون و مخصوصاً دکتر بقایی که در اون واقعاً فعالیت غیرتمندانه‌ای کرد با روزنامه شاهدش. مردم آگاهی پیدا کردند و در انتخابات شرکت کردند...»

بی بی سی:

آیت الله کاشانی همچنان در لبنان در تبعید به سر می برد. ملیون به رهبری دکتر مصدق جبهه ملی را تشکیل دادند. دکتر کریم سنجایی می گوید: «در انتخابات تقلب شده بود، تا از ورود ملیون به مجلس جلوگیری شود که ناگهان خبر ترور وزیر دربار توسط طرفداران آیت الله کاشانی وضع را عوض کرد.

سنجایی:

«در روزی که ما به کلی مایوس بودیم و منزل آقای دکتر مصدق بودیم، ناگهان خبر آوردند [که] «عبدالحسین هژیر کشته شد...»

همین که هژیر کشته شد و ننگ این تعویض آرا کاملاً آشکار بود، اون انتخابات باطل شد. انتخابات مجدد صورت گرفت که در این انتخابات در شهر تهران هشت نفر از ملیون با مصدق انتخاب شدند، کاشانی و مکی و بقایی و عبدالقدیر آزاد و شایگان و نریمان و اینها. به این ترتیب در مجلس شانزدهم پایگاه اقلیت تشکیل شد و برای ملیون و برای جبهه ملی میدان فعالیت وسیع شد...»

بی بی سی:

در آغاز، هدف ملیون خلع ید از شرکت نفت انگلیس بود، اما به گفته «دکتر فؤاد روحانی» که از مدیران شرکت نفت بود، «ملیون از این گذشته می خواستند تا از این طریق به دفاع از منافع اقتصادی و سیاسی ایران برخیزند.»

دکتر فؤاد روحانی:

«شرکت نفت انگلیس چه از نظر مالی چه از نظر اجتماعی، چه از نظر سیاسی مسلماً مخالف منافع ایران بود. به بیست تا نمی رسید شماره ایرانیهایی که واقعاً در شرکت يك مسئولیتی داشتند برابر بودند با رؤسای انگلیسی و اینها. بقیه افرادی بودند که اصلاً مورد توجه نبودند از هیچ حیث، نه از حیث منزل نه از حیث حقوق، نه از حیث شغلی که داشتند به هیچ وجه...»

بی بی سی:

در مجلس شانزدهم دکتر مصدق رهبر ملیون مدام بر همین نکته تاکید می کرد.

مصدق:

«شرکت خواست که از این منابع ما به قدری استفاده بکند که به ایران هیچ ندهد.

این بود که ملت ایران را عصبانی کرد...».

بی بی سی:

در میان روحانیت از سوی دیگر نظر واحدی وجود نداشت. آیت الله بروجردی روحانیون را از سیاست به دور می داشت، با این حال آیت الله سید محمد تقی خوانساری در قم و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی در تهران به گفته مهندس بازرگان موافق بودند.

بازرگان:

«روی هم رفته میشه گفت که روحانیت ایران با ملی شدن نفت و با این مسئله به اصطلاح قیام ملت ایران برای کوتاه کردن دست استیلای خارجی در هیئت و کسوت شرکت نفت نظر متحد و خیلی منسجم و مشخصی اتخاذ نکرده بود و نظریات مختلف بود. مرحوم خوانساری طرفدار بود و علاقه مند. خوانساری البته خوب، مرحوم بروجردی که در واقع آیت الله العظمای اون زمان بودند و مرجعیت اول را داشتند، ایشان بی طرف بودند. مرحوم کاشانی خوب پشتیبانی داشت و همکاری داشت در ابتدا، البته...»

بی بی سی:

اتحاد نظر ملیون و جناحی از روحانیون به گفته احسان نراقی به قضیه نفت

هویتی ملی داده بود.

نراقی:

«نهضت ملی شدن نفت که يك امر کاملاً ملی و ایرانی بود، همه اکثر ماها رو به خودش جلب کرد. خوب می دونید که نهضت ملی شدن نفت در حقیقت يك خصوصیت ملی و مذهبی داشت. یعنی از يك ور، يك شخصی مثل دکتر مصدق، يك رجل ملی به اصطلاح ناسیونالیست و دمکرات منش، سنبل این نهضت بود، از يك طرف مرحوم آیت الله کاشانی با نفوذی که در روحانیت و در طبقات متوسط و بازاریان داشت. این دو وقتی دست به دست هم دادند این نهضت خیلی نیرومند و ریشه داری رو عرضه کردند...».

بی بی سی:

در بحبوحهٔ مباحثات مجلس، بر سر ملی کردن نفت، نخست‌وزیر وقت، سپهبد رزم‌آرا ترور شد و آن‌طور که دکتر سیف‌پور فاطمی می‌گوید، «راه برای تصویب لایحهٔ ملی شدن نفت هموار گردید.»

فاطمی:

«بعد از آنکه رزم‌آرا ترور شد و علاء برای چند روزی بر سر کار آمد و علاء هم يك مرتبه خودش استعفا داد، در مجلس به دکتر مصدق پیشنهاد کردند که شما دولت تشکیل بدهید. دکتر مصدق در جواب گفت: «من وقتی دولت تشکیل می‌دهم که شما قرارداد نفت را تصویب بکنید بنابراین اول قرارداد نفت را در مجلس تصویب کردند بعد حکومت دکتر مصدق برای اجرای قرارداد تشکیل شد...» (۱)

بی‌بی‌سی:

دکتر مصدق که در تصویب لایحهٔ ملی کردن نفت پیروز شده بود به گفتهٔ دکتر سنجابی در اجرای آن با اعتدال و مدارا عمل می‌کرد.

سنجابی:

«کابینهٔ اول مصدق بیشتر از افراد معتدل و کهنه‌کار قدیمی بود و مصدق در این باره نظر و سیاست داشت، و نظر و سیاستش این بود که چون فکر او این بود که قانون ملی شدن نفت را به موقع عمل و اجرا بگذارد، سیاستهای خارجی را نسبت به ایران بدبین نبیند، و حکومت ایران را در پیش سیاستهای خارجی حکومت رادیکال جلوه ندهد...»

بی‌بی‌سی:

پس از ملی شدن نفت مهندس مهدی بازرگان اولین رئیس شرکت ملی نفت ایران شد.

بازرگان:

«جزء قانون ملی شدن نفت این بود که دولت ایران اونجا را به عهده بگیرد، ادارهٔ آنجا را بگیرد و خلع‌ید از انگلیسیها بشه، ولی انگلیسیها را بیرون نکند. اونها خودشون را به اصطلاح کارمند و مزد بگیر و خدمتگزار دولت ایران بودند. این نظر اصلی بود و وظیفه‌ای که به ما مراجعه کرده بودند و مقدم بر هر چیز همان خلع‌ید بود، یعنی بریم و جانشین مدیریت شرکت نفت انگلیس و ایران بشیم. که اون کار انجام شد خیلی هم توام با سهولت و سرعت هم با پیروزی بزرگی شد و دیگه افتاد اختیارات در دست این هیئت

مدیره شرکت ملی نفت ایران. ولی چون انگلیسیها مایل نشدند نخواستند که خودشون رو مستخدم ایران بدوند و به نام شرکت ملی نفت ایران عمل بکنند شروعش بکنند و چیزهای اقتصادی را انجام بدهند اونها تصمیم گرفتند علی‌رغم خیلی مذاکرات و آمد و رفتهایی که شد و چند میسیون، هم آمریکایی هم انگلیسی، آمدند و بالاخره به آنجا رسیدند که باید اینجارو تخلیه بکنند، نمی‌خواهد بمونند یعنی زیر بار این چیز، قانون ملی شدن نفت ایران نمی‌رفتند. به این ترتیب ما بر خلاف آنچه اول تصور می‌شد که اول گفته شده بود خودمون رو مواجهه با يك وظیفه بسیار سنگینی دیدم و اون این بود که این دستگاه پر عظمت رو حفظش بکنیم، حفظ بکنیم نگذاریم بخوابه و علاوه بر حفظ شدن در مرحله اول احتیاجات داخلی مملکت تأمین بشه و در مرحله دوم بتوانیم صادر بکنیم نفت را و درآمدهایی که مورد انتظار بود و ارزی که مورد احتیاج بود. اون تأمین بشه. ما موفق شدیم که اولاً به اندازه يك روز هم اتومبیلهای ایران، کوره‌های ایران و خانه‌ها، عرض کنم که حمامها و کلیه مصارفی که احتیاج به مواد نفتی داشت، يك دونه‌اش هم نخواستید و تا اون اندازه که امکان خارج داده بودند به خارج هم ما صادر کردیم این... به اصطلاح نقش اصلی و اولی بود که انجام دادیم...»

بی بی سی:

نفت ملی شده بود، اما به گفته دکتر فواد روحانی، «مصدق هدفهای دیگری هم در سر داشت.»

روحانی:

«نهضت ملی و اساسش یکی هوشیار شدن ایران به فرهنگ خودش به هویت خودش به عرض کنم که اون تمامیت خودش یکی مخالفت با استعمار خارجی و مخالفت با استبداد داخلی، اینها باعث شد که یکی مصدق به وجود آمد. موضوع نفت غالباً شخصیت مصدق و سیاست مصدق توام همیشه با مطلب نفت. البته توام هست ولی اساسش این نیست، مصدق فکرش بالاتر بود از موضوع نفت، چون بنده اقلأ هفته‌ای يك دفعه، چه دو دفعه دکتر مصدق را می‌دیدم. بنده حس می‌کردم که این فقط فکرش نفت نیست. چون بنده می‌دیدم موقعی که ما صحبت می‌کردیم راجع به اشکال موضوع نفت و عرض کنم اینکه قیمت نفت چه خواهد شد چقدر عایدی کار، بنده می‌دیدم فکرش می‌ره يك جای دیگر. یقین دارم او فکرش بالاتر بود از این. می‌خواست

موضوع نفت را وسیله‌ای قرار بده برای تثبیت اون واقعاً نهضت ملی ایران برای برقرار کردن اصول دمکراسی لیبرالیست و ناسیونالیست به معنی واقعی کلمه...»

بی بی سی:

و اما واکنش انگلستان در برابر ملی شدن نفت به گفته دکتر سیف پور فاطمی بسیار شدید بود.

فاطمی:

«انگلیسیها شروع کردند با فشار اقتصادی و یلوکه کردن پولهای ایران در لندن، به دولت ایران فشار بیاورند از نظر فروش نفت هم در سرتاسر جهان در هر کجا که میسر بود جلوگیری کردند یعنی در همه جا فروش نفت ایران را تحریم کردند...»

بی بی سی:

خود دکتر مصدق هم رفتار انگلیس را از بقایای دوران استعمار می شمرد.

مصدق:

«دولت انگلیس می خواهد با آن رویه قرن نوزدهم خود با ملت ایران رفتار کند و این رویه به تمام معنا مخالف اون چیزی است که ما می بینیم. امروز هیچ ملتی نیست که بخواهد استقلال و آزادی او دستخوش اغراض دول استعماری بشود...»

بی بی سی:

ملیون ایران که چند بار کوشیده بودند برای موازنه در سیاست خارجی از امریکا استمداد کنند، به گفته دکتر فریدون کشاورز بار دیگر به سراغ امریکا رفتند. کشاورز: «دکتر مصدق از تضادی که بین انگلستان و امریکا در آن زمان پیدا شده بود، برای گرفتن نفت ایران استفاده کرد. یعنی امریکا شده بود قویترین دولت دنیا، بعد از جنگ جهانی دوم، و انگلستان ضعیف شده بود و احتیاجی به امریکا داشت، به این مناسبت امریکا کوشش کرد که یا لاقط تمام نفت ایران را بگیرد یا از این نمک کلاهی داشته باشه و وقتی که دکتر مصدق شروع کرد به تبلیغ و صحبت در مجلس درباره ملی شدن صنایع نفت ایران، امریکا از او پشتیبانی کرد...»

بی بی سی:

اما به نظر دکتر فؤاد روحانی «دولت انگلستان تلاش می کرد تا امریکا را نسبت به دولت مصدق بدگمان کند.»

دکتر فؤاد روحانی:

«وقتی که انگلیسیها متوجه شدند که نمی‌توانند آمریکا را وارد بکنند به خصوصت با ایران، مرتباً مأمورانی فرستادند به واشنگتن، که برود با دولت آمریکا بروند صحبت بکنند و بگویند شما به کلی غافلید از جریاناتی که در ایران داره اتفاق می‌افتد و بالاخره روزی متوجه خواهید شد که دیر خواهد شد و اون روز، روزیست که کمونیستها آمده باشند و تسلط پیدا کرده باشند به ایران. و این روز خیلی نزدیکه برای اینکه دکتر مصدق داره کمک می‌کنه به روسها که بیایند و نفوذ روسیه جانشین نفوذ آمریکا و انگلستان بشه. به اندازه‌ای تکرار کردند این مطلب را و سعی می‌کردند که يك مدارکی هم برای این موضوع پیدا بکنند که خوب در ایران البته بودند کسانی که همین حزب توده و دیگران بودند که کمک می‌کردند به افکار کمونیستی و اینها. اینها این قبیل گزارشها را یا روز به روز قویتر کردند، بیشتر رویش تاکید کردند، نماینده فرستادند، بحث کردند، نطق کردند، یواش یواش امریکاییها واقعاً ترسیدند...»

بی بی سی:

ترس آمریکا و روحانیت از نفوذ کمونیزم توسط دربار و دولت وقت انگلستان تشدید می‌شد، اما به گفته دکتر فریدون کشاورز این وصله‌ای بود که به دکتر مصدق نمی‌چسبید.

کشاورز:

«ایرج اسکندری در خاطراتش که منتشر شده گفته که من را، مصدق خواسته بود برای خاطر اینکه نامه‌ای داشت که من بایستی به سفیر شوروی بدهم و من به مصدق گفتم که شمال ایران حریم امنیت شوروی است. نوشته که دکتر مصدق قلم تراشش را درآورد از جیبش و باز کرد و به من گفت اگر یکبار دیگر این کلمه را تکرار بکنی زبانتو می‌برم...»

بی بی سی:

انگلستان در مجامع بین‌المللی به فعالیت افتاد. نخست به دیوان بین‌المللی لاهه و به دنبال آن به سازمان ملل شکایت برد. دکتر مصدق خود شخصاً برای دفاع از حقوق ایران به خارج سفر کرد. در آمریکا بود که دکتر مصدق احساس کرد نفوذ انگلستان بر آمریکا مانع کمک آمریکا به ایران شده است.

مصدق:

«دولت امریکا گرچه ظاهراً با دولت ایران هماهنگی می‌کند ولی نمایندگان اون دولت به قدری تحت تاثیر انگلیس هستند که نمی‌توانند برای ایران کاری بکنند...»

بی‌بی‌سی:

ناتوانی دکتر مصدق در حفظ حمایت امریکا به گفته دکتر سیف‌پور فاطمی مخالفان دکتر مصدق را جسور کرد.

فاطمی:

«موقعی که دکتر مصدق در امریکا بود، از اون موقع اختلاف بین او و شاه شروع شده بود. این بود که بعد از آنکه دکتر مصدق به ایران برگشت در مجلس هم یک مخالفت‌هایی شروع شد، زیرا یک عده‌ای از وکلای می‌گفتند که هرچه کار نفت عقب بیفتد نفوذ کمونیست‌ها در ایران زیاد می‌شود و حزب توده ممکن است که کودتا بکند و این فشار روی مصدق فوق‌العاده زیاد بود. مصدق به فکر افتاد که برای اینکه بتواند قدرت را یکپارچه در دست بگیرد و کارها را انجام بدهد به فکر این افتاد که وزارت جنگ را در دست بگیرد. البته شاه با این مخالف بود. در نتیجه دکتر مصدق استعفا داد و بعد از استعفای دکتر مصدق از مجلس رأی تمایل خواستند. وکلای جبهه ملی از جلسه خودداری کردند. جلسه طرفداران شاه در مجلس تشکیل شد و به حکومت قوام‌السلطنه رأی اعتماد دادند. قوام‌السلطنه البته در اون موقع سنش زیاد بود، مریض هم بود با عذر، کاملاً از اوضاع دور بود و البته این، این نکته را باید در نظر گرفت که شاه به همان اندازه‌ای که از دکتر مصدق می‌ترسید از قوام‌السلطنه هم می‌ترسید و این بود که قوام‌السلطنه نتوانست کاری انجام بدهد و در تهران چند روزی انقلاب شدید به وقوع پیوست. به طوری که حتی نظامیها حاضر نشدند به مردم تیراندازی بکنند و در نتیجه قوام‌السلطنه مجبور به استعفا شد و دو مرتبه دکتر مصدق حکومت تشکیل داد.»

بی‌بی‌سی:

بر اثر پشتیبانی ملیون و مذهبیون به رهبری آیت‌الله کاشانی کناره‌گیری مصدق چندان طول نکشید. واقعه تاریخی سی‌ام تیرماه را مصدق از سر گذرانید، اما طرفان سهمگین تری در انتظار مصدق بود.

۱) مقصود از «قرارداد نفت» در اینجا «قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور» است.